

مجله پژوهش های اسلامی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان  
سال چهارم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۹

## بررسی تطبیقی مهدویت در روایات تفسیری شیعه و اهل سنت\*

محمد هادی قهاری کرمانی<sup>۱</sup>

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی برخی روایات تفسیری دو فرقه شیعه و اهل سنت درباره موضوع مهدویت پرداخته است. این روایات منحصر به آیاتی است که در منابع روایی هر دو فرقه، تفسیر یا تأویل آنها مربوط به مهدویت است. تعداد این آیات، هشت آیه است که به ترتیب سوره های قرآن بررسی شده اند. ابتدا روایات تفسیری فریقین در ذیل هشت آیه که مجموعاً ۴۴ روایت از شیعه و ۶۵ روایت از اهل سنت می باشد که به صورت دسته بندی نقل شده، سپس به بررسی مقارنه ای و تطبیقی این روایات از نظر محتوا و سند پرداخته شده است. لازم به ذکر است که به دلیل اختصار از ذکر متن عربی روایات و سند آنها خودداری شده است.

### کلید واژه ها

تفسیر، تأویل، تطبیق، روایت تفسیری، مهدویت

---

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۱۶  
نشانی پست الکترونیک نویسنده: Mhghahari@gmail.com

### طرح مسأله

«قرآن کریم» و «سنت نبوی» دو شجره طوبای برآمده از یک ریشه مبارک اند و هر دو متعلق به یک قانون گذارند. بی تردید قرآن مجید، اعتقاد مسلمانان به ایده امام مهدی (ع) را که از طریق رسول اکرم (ص) متواتر بوده، با مجموعه ای از آیات شریفه تأیید کرده است. هرگاه مطلبی از پیامبر (ص) متواتر گردد، ناگزیر باید پذیرفت که قرآن حکیم آن را یک سره مسکوت نگذاشته است، هر چند عقول ما به سادگی آن را در نیابند؛ زیرا خداوند متعال در وصف قرآن می فرماید: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» (نحل/ ۸۹) و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است، بر تو نازل کردیم. بنابراین استخراج این عقیده از آیات مبارک بر عهده کسی است که حقایق قرآنی را با فهمی در خور آن، درک کند و تردیدی نیست که بنا بر نص حدیث شریف ثقلین که نزد همه مسلمانان متواتر است، «اهل البیت (ع)» همتا و کفو قرآنند؛ از این رو، باید آیاتی را که ایشان بر امام مهدی (ع) حمل کرده اند، دلیل قرآنی ایده مهدویت به شمار آوریم. در این زمینه احادیث فراوانی از حضرات ائمه (ع) نقل شده است که در آنها آیات بسیاری بر موضوع مهدویت تطبیق شده است. البته در نوشتار حاضر، بخشی از این احادیث را ذکر می کنیم که مورد تأیید نصوص روایی و تفسیری اهل سنت نیز باشد.

نکته حائز اهمیت این است که علمای اهل سنت، روایات تفسیری مهدویت را به طور طبیعی مانند سایر روایات تفسیری بررسی یا نقد کرده اند و چنین نیست که این روایات را جعلی یا ضعیف شمرده باشند؛ بلکه بسیاری از این روایات در منابع روایی معتبر آنها - چنانچه خواهد آمد - نقل شده است. در اینجا به برخی از سؤال ها که پاسخ آنها اهداف جزئی پژوهش را در بر می گیرد، اشاره می کنیم: از دیدگاه روایات تفسیری شیعه و اهل سنت چه تعداد از آیات قرآن از نگاه هر دو فرقه، مربوط به موضوع مهدویت می باشد؟ این روایات چه وجه اشتراک یا افتراقی با یکدیگر دارند؟ آیا مفاد این روایات با ظاهر آیات سازگار است؟

### معنای تفسیر

در مورد معنای اصطلاحی تفسیر، نظرات گوناگونی از سوی مفسران علوم قرآنی مطرح گردیده است. اما به نظر می رسد تعریف «تفسیر» عبارت است از:

«بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره» (بابایی، ۱۳۷۹ ش: ۲۳)

### معنای تأویل

واژه «تأویل» هفده مرتبه، در هفت سوره و پانزده آیه از قرآن کریم به کار رفته است. این کاربردها را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: ۱. تأویل قول (آیات سوره‌های آل عمران/۷، اعراف/۵۳ و یونس/۳۶ که درباره قرآن است)؛ ۲. تأویل فعل (آیات سوره‌های نساء/۵۹، اسراء/۳۵ و کهف/۷۸ و ۸۲)؛ ۳. تأویل رؤیا (آیات سوره یوسف/۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱).

مفسران و دانشمندان علوم قرآنی پیرامون معنای تأویل در این آیات، نظریات گوناگونی داده‌اند. در مجموع اگر بیان مصادیق خارجی آیات را جزء معانی باطنی آیات در نظر بگیریم؛ می‌توان گفت: واژه تأویل به یک معنا عبارت است از: «تبیین معانی باطنی و مصادیق مختلف آیات قرآن» و این همان معنایی است که در این مقاله از این واژه مد نظر است.

### ۱. آیه ۶۹ سوره نساء

خداوند متعال می‌فرماید: «و من یطع الله و الرسول فأولئک مع الذین أنعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن أولئک رفیقاً» و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگان؛ و آنان چه نیکو همدان اند.

### روایات تفسیری شیعه

روایاتی که در مصادر شیعی در ذیل آیه مورد بحث وارد شده است به دو دسته تقسیم می‌شوند.

### دسته اول - روایات شأن نزول آیه

روایتی از امیرالمؤمنین (ع) درباره شأن نزول این آیه نقل شده که به دلیل عدم ارتباط با بحث، از نقل آن پرهیز می‌کنیم. (نک: طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۲۱)

### دسته دوم - تأویل آیه درباره امامان (ع)

در تفاسیر روایی شیعه، هشت روایت از پیامبر (ص) و ائمه (ع) نقل شده که تأویل این آیه شریفه را درباره امامان (ع) دانسته‌اند. از بین این روایات، دو روایت تصریح به نام امام مهدی (ع) دارد که به نقل یکی از آنها می‌پردازیم.<sup>۲</sup>

امام علی (ع) فرمود: «بهترین مردم در روزی که خداوند آنها را جمع می کند، هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب هستند که فضیلت و برتری آنان را جز کافر و جاحد، کسی انکار نمی کند... برترین انبیا، محمد (ص) است... برترین اوصیا، وصی محمد (ص) می باشد... برترین شهدا، حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب هستند... [همچنین] دو سبط (پیامبر) حسن (ع) و حسین (ع) [جزو برترین های روز قیامت اند] و مهدی (ع) که خداوند او را از اهل بیت قرار داده است [هفتمین آنهاست] سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و من يطع الله والرسول فأولئك مع الذين أنعم الله عليهم...» (کوفی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۱۱۳)

### روایات تفسیری اهل سنت

روایات تفسیری اهل سنت درباره آیه مورد بحث به دو دسته تقسیم می شوند:

#### دسته اول - روایات شأن نزول آیه

روایات شأن نزول آیه شریفه، در منابع روایی فریقین تقریباً یکسان و به یک شکل نقل شده است.<sup>۳</sup>

#### دسته دوم - تأویل آیه درباره اهل بیت (ع)

چهار روایت در این زمینه در کتاب شواهد التنزیل آورده شده که به نقل یکی از آنها اکتفا می کنیم. حذیفه بن یمان گفت: «روزی بر رسول خدا (ص) وارد شدم که آیه «اولئك الذين أنعم الله عليهم...» نازل شد. حضرت آن را بر من قرائت کرد. آن گاه گفتم: «ای پیامبر خدا - پدر و مادرم به فدایت - اینان کیانند؟ همانا من خداوند را نسبت به ایشان پرمهر و محبت یافتم». فرمود: «ای حذیفه مراد از «نبیین» که خدا آنها را گرامی داشته است، من هستم؛ من اولین در نبوت و آخرین آنها در مبعوث شدن می باشم. منظور از «صدیقین» علی بن ابی طالب است. هنگامی که خدا مرا به رسالت مبعوث کرد او اولین تصدیق کننده من بود. مقصود از «شهادا» حمزه و جعفر، مراد از «صالحین» حسن و حسین دو آقای جوانان بهشت و منظور از «حسن أولئك رفیقا» مهدی در زمان [ظهورش] است.» (حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۲۰۹)<sup>۴</sup>

#### بررسی تطبیقی روایات فریقین

صرف نظر از روایات شأن نزول، سایر روایات تفسیری در منابع روایی فریقین، تأویل آیه مورد بحث را درباره ائمه (ع) دانسته اند؛ لیکن روایاتی که

مربوط به اهل سنت می‌شوند تنها در کتاب «شواهد التنزیل» نقل شده‌اند؛ اما با توجه به اینکه تعداد این روایات، چهار روایت می‌باشد، می‌توان به این روایات اعتماد کرد.

در متن روایات دسته دوم، تأویل عبارت «و حسن اولئک رفیقاً» بر امام مهدی (ع) بعید می‌نماید؛ زیرا این عبارت، وضعیت رفاقت و همدمی مصادیق آیه را تبیین می‌کند و لذا در ظاهر به امام مهدی (ع) مرتبط نیست؛ اما احتمال دارد منظور این باشد که در دوران رجعت یعنی پس از ظهور آن حضرت این رفاقت و همدمی محقق شود، چنانچه دو روایت از روایات یاد شده نیز تصریح به «مهدی در دوران ظهورش» دارند.

در مورد سند روایات «شواهد التنزیل»، باید بگوییم؛ روایات اول و سوم، مسند<sup>۵</sup> و دو روایت دیگر موقوف<sup>۶</sup> می‌باشند. یکی از این روایات، نبوی است، دو روایت از ابن عباس و یکی از حذیفه بن یمان نقل شده و در سه روایت، تصریح به نام مقدس مهدی (ع) شده است.

روایات تفسیری هشتگانه شیعه، مطابق آنچه در تفسیر برهان نقل شده است (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۵) شامل چهار روایت مسند، سه روایت مرسل<sup>۷</sup>، یک روایت موقوف و یک روایت مفرد<sup>۸</sup> می‌باشند.

در مجموع دلالت روایات تفسیری فریقین مبنی بر تأویل آیه مورد بحث درباره ائمه (ع) روشن و واضح است و ظهور آیه شریفه نیز آن را تأیید می‌کند. همچنین مسند بودن شش روایت از روایات فریقین نیز مؤید دیگری بر صحت این تأویل است.

## ۲. آیه ۱۵۹ سوره نساء

خداوند سبحان می‌فرماید: «و إن من أهل الكتاب إلّا لیؤمننّ به قبل موته و یوم القیمة یكون علیهم شهیداً» و از اهل کتاب، کسی نیست؛ مگر آنکه پیش از مرگ خود، حتماً به او ایمان می‌آورد و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود.

### روایات تفسیری شیعه

روایاتی که در منابع شیعی ذیل آیه ۱۵۹ نساء وارد شده است به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

### ۱- ایمان اهل کتاب به عیسی (ع) پس از نزول وی از آسمان

یک روایت در منابع شیعه وجود دارد که مرجع هر دو ضمیر «به» و «قبل موته» را حضرت عیسی (ع) می‌داند. بنابراین معنای آیه شریفه چنین خواهد بود: «و هیچ یک از اهل کتاب نیست؛ مگر این که قبل از مرگ عیسی (ع) به او ایمان می‌آورد». این روایت، مؤید کسانی است که می‌گفتند: عیسی (ع) هنوز زنده است و از دنیا نرفته و پس از ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان فرود می‌آید و همه یهود و نصارای موجود در آن روز به او ایمان می‌آورند. روایت یادشده بدین صورت نقل شده است:

«شهر بن حوشب می‌گوید: «حجاج به من گفت: «ای شهر، یک آیه از قرآن مرا گنج کرده، نمی‌فهمم معنایش چیست؟» پرسیدم: «ای امیر آن کدام آیه است؟» گفت: «آیه «و إن من اهل الكتاب إلّا لیؤمننّ به قبل موته» است. به خدا سوگند با این که دستور می‌دهم گردن یک یهودی و یا مسیحی را بزنند و خودم تا آخرین رمقش می‌ایستم و به دقت نگاه می‌کنم بینم لب‌ها را تکان می‌دهد و به حقانیت عیسی مسیح شهادت می‌دهد یا نه، چیزی نمی‌بینم؛ بلکه لب‌ها همچنان بسته است تا بدن سرد شود با این حال چطور آیه قرآن خبر می‌دهد که هر یهودی و نصرانی در دم مرگش به عیسی (ع) ایمان می‌آورد؟» من به او گفتم: «خدا امیر را اصلاح کند؛ معنای آیه شریفه آن طور که تو فهمیدی نیست.» پرسید: «پس به چه معناست؟» گفتم: «عیسی قبل از به پا شدن قیامت از آن محلی که در آن قرار دارد نازل می‌شود و هیچ اهل ملتی باقی نمی‌ماند نه یهودی و نه غیر یهودی؛ مگر آن که قبل از مرگ وی به او ایمان می‌آورد و او پشت سر مهدی (ع) به نماز می‌ایستد.» حجاج چون این بشنید از در تعجب گفت: «وای بر تو! این سخن را از که آموختی و از چه کسی نقل می‌کنی؟» گفتم: «محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب آن را برایم نقل کرد.» در پاسخم گفتم: «به خدا سوگند که از سرچشمه زلال گرفته‌ای.» (قمی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۸)

### ۲- ایمان اهل کتاب به رسول خدا (ص) در لحظه مرگ

این دسته از روایات، ضمیر «به» را به رسول اکرم (ص) و ضمیر «قبل موته» را به اهل کتاب برمی‌گرداند؛ بنابراین معنی آیه شریفه به این صورت خواهد بود: «و هیچ یک از اهل کتاب نیست؛ مگر این که قبل از مرگ خودش، به رسول خدا (ص) ایمان می‌آورد.» (نک: عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۳۰۱)<sup>۹</sup>

### ۳- ایمان همه مردم به رسول خدا(ص) در زمان رجعت

تنها یک روایت است که تأویل آیه شریفه مورد بحث را در دوران رجعت رسول اکرم(ص) دانسته و تصریح می کند که در آن زمان همه مردم به ایشان ایمان خواهند آورد.(نک: قمی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۸)

### ۴- ایمان اهل کتاب به رسول خدا(ص) و امیر مؤمنان(ع) در لحظه مرگ

در مصادر روایی شیعه یک روایت وجود دارد که می گوید منظور از آیه مذکور، این است که همه اهل کتاب، قبل از مردن به حقانیت رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) پی می برند.(نک: عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۳۰۳)

### ۵- اقرار اولاد فاطمه(س) به امامت امام خود در لحظه مرگ

یک روایت است که می گوید منظور از آیه مذکور این است که هیچ یک از اولاد فاطمه(س) از دنیا نمی رود؛ مگر این که به امامت امام خویش اقرار می کند.(نک: همان، ج ۱، ص ۲۸۳ - ۲۸۴، ح ۳۰۰)

### روایات تفسیری اهل سنت

روایاتی که در منابع روایی اهل سنت در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء آمده، چهار دسته هستند:

### ۱- ایمان همه اهل کتاب به عیسی(ع) پس از نزول وی از آسمان

در این دسته از روایات، ضمیر «به» و «قبل موته» هر دو، به حضرت عیسی(ع) برمی گردد. طبق این تفسیر، حضرت عیسی(ع) هنوز زنده است و پس از فرود آمدن از آسمان در آخرالزمان، اکثریت اهل کتاب اعم از یهودی و مسیحی به او ایمان می آورند. طبری شانزده روایت از صحابه و تابعین نقل کرده که آیه شریفه مورد بحث را به این صورت تفسیر کرده اند. روایت ذیل نمونه ای از آنهاست.

از ابن عباس روایت شده که منظور از عبارت «قبل موته» در آیه شریفه «و إن من أهل الكتاب إلّا لیؤمننّ به قبل موته»، قبل از مرگ عیسی بن مریم(ع) است.(طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۵)

### ۲- ایمان همه اهل کتاب به عیسی (ع) در لحظه مرگ

در این روایات، ضمیر «به» به حضرت عیسی (ع) و ضمیر «قبل موته» به اهل کتاب برمی گردد. بر طبق این تفسیر، همه یهودیان و مسیحیان در هنگام مرگ، با کنار رفتن پرده ها، حقایق را درک کرده و به حقانیت حضرت عیسی (ع) پی می برند؛ ولی ایمان در آن لحظه برای آنان هیچ ثمره ای ندارد. هجده روایت در تفسیر طبری از صحابه و تابعین نقل شده که آیه مذکور را چنین تفسیر کرده اند. (نک: همان، ج ۶، ص ۲۶)

### ۳- ایمان همه اهل کتاب به رسول خدا (ص) در لحظه مرگ

در این روایات، ضمیر «به» به رسول اکرم (ص) و ضمیر «قبل موته» به اهل کتاب برمی گردد. طبق این تفسیر، همه یهود و نصارا در لحظه مردن، به حقیقت نبوت رسول اکرم (ص) پی برده و ایمان می آورند؛ ولی این ایمان برای آنها سودی ندارد؛ زیرا در آن لحظه، زمان تکلیف سپری شده است. دو روایت در تفسیر طبری آمده که آیه مورد بحث را چنین تفسیر کرده اند. (همان، ج ۶، ص ۲۹)

### ۴- جمع بین روایات دسته اول و دوم

سیوطی روایتی از شهر بن حوشب نقل کرده که مضمون آن شامل روایات دسته اول و دوم می باشد. طبق این روایت، یهودیان و مسیحیانی که بین دو مقطع زمانی به آسمان رفتن حضرت مسیح (ع) و فرود آمدنش از آسمان زندگی می کنند، در هنگام مرگشان به آن حضرت ایمان می آورند که این ایمان برای آنها فایده ای در بر ندارد؛ ولی آنهایی که پس از فرود آمدن عیسی (ع) از آسمان زندگی می کنند، در زمان حیاتشان به او ایمان می آورند. ترجمه این روایت به شرح ذیل است:

«ابن منذر از شهر بن حوشب روایت کرده که گفت: «حجاج به من گفت: «ای شهر آیه ای است از کتاب خدا که هیچ بار آن را نخواندم؛ مگر آن که در دلم اعتراضی وارد شد و آن آیه: «و إن من أهل الكتاب إلیا لیؤمنن به قبل موته» است؛ زیرا اسیران جنگی یهودی و مسیحی را می آورند، من گردنشان را می زنم؛ ولی نمی شنوم که در دم مرگ چیزی بگویند.» من به حجاج گفتم: «آیه را آن طور که باید برای تو توجیه نکرده اند. یک فرد نصرانی وقتی روحش از تنش بیرون آید، ملائکه با سلیلی از پشت و از رویش می زنند و می گویند: «ای ناپاک!»



تو تا در دنیا بودی می‌پنداشتی که مسیح یا خدا و یا پسر خدا و یا خدای سوم است؛ در حالی که او بنده خدا و روح او و کلمه او بود. شخص مسیحی چون این را می‌شنود ایمان می‌آورد؛ اما در زمانی که ایمان آوردن سودی ندارد. یک فرد یهودی نیز وقتی روحش از کالبدش بیرون می‌آید، ملائکه او را از پشت و رو با لگد وسیلی می‌زنند و به او می‌گویند: «ای نپاک! تو بودی که می‌پنداشتی مسیح را کشته‌ای؟ او بنده خدا و روح او بود. مرد یهودی به مسیح ایمان می‌آورد؛ اما در لحظه‌ای که ایمان سودی ندارد.» این جریان همچنان در مورد فرد فرد یهود و نصارا جاری است تا زمان نازل شدن عیسی (ع) برسد؛ در آن زمان از اهل کتاب هر که زنده باشد و هر که مرده باشد به وی ایمان می‌آورد. حجاج پرسید: «این مطلب را از کجا به دست آورده‌ای؟» گفتم: «از محمد بن علی [محمد بن حنفیه]»، گفت: «آری، از معدنش گرفته‌ای.» شهر سپس اضافه می‌کند، به خدا سوگند من این جریان را جز از ام سلمه نشنیده بودم؛ ولی برای این که جگر حجاج را بسوزانم به دروغ گفتم: «من آن را از محمد بن علی شنیدم.» (سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۲، ص ۲۴۱)

### بررسی تطبیقی روایات فریقین

در مورد روایات تفسیری شیعه، تنها دسته اول این روایات که مراد از آیه را حضرت عیسی (ع) می‌دانست با سیاق آیات قبل، مطابقت دارد. بنابراین، روایات دسته دوم تا پنجم نمی‌توانند به عنوان تفسیر آیه شریفه به شمار آیند؛ زیرا قبل از این آیه، سخنی غیر از حضرت عیسی (ع) در میان نیست.

از بین روایات تفسیری فریقین که ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء نقل شده، آنچه که مربوط به موضوع مهدویت می‌شود؛ روایاتی است که به نازل شدن حضرت مسیح (ع) از آسمان پس از ظهور امام مهدی (ع) اشاره می‌کنند. بنابراین، تنها دسته اول روایات فریقین یعنی آنهایی که ضمیر «به» و «قبل موته» را به حضرت عیسی (ع) برمی‌گردانند، مربوط به بحث ما است. تعداد این روایات در منابع روایی اهل سنت زیاد است، چنان که در تفسیر طبری شانزده روایت از صحابه و تابعین در این باره ذکر شده است؛ اما در تفاسیر روایی شیعه تنها یک روایت در این زمینه وجود دارد که همان روایت «شهر بن حوشب» است که نقل شد.

نکته قابل ذکر این است که دسته اول روایات تفسیری اهل سنت همگی «موقوف» می‌باشند و روایت موقوف، جزء روایات ضعیف برشمرده شده است؛

اما ضعف سند این روایات توسط ظهور و سیاق آیات قبل که مفاد این روایات را تأیید می کند، جبران می شود. همچنین متعدد بودن این روایات نیز تأیید دیگری بر جبران ضعف سند آنهاست. علاوه بر این، روایت شهر بن حوشب که مفهوم آن مانند روایات دسته اول اهل سنت است، متصل به معصوم - یعنی امام باقر(ع) - بوده و موقوف نمی باشد که این مطلب نیز مؤید دیگری بر جبران ضعف سند آنهاست. در مجموع می توان دلالت این روایات را پذیرفت و این تفسیر از آیه شریفه را - که حضرت عیسی(ع) هنوز زنده است و در آخرالزمان همه اهل کتاب به او ایمان خواهند آورد - بر سایر تفاسیر ترجیح داد.

با توجه به این که روایت «شهر بن حوشب» در منابع روایی شیعه و اهل سنت - هر دو - نقل شده است؛ اینک به بررسی مقارنه ای این روایت می پردازیم.

۱. این روایت در منابع شیعه از محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب(ع) یعنی امام باقر(ع) نقل شده؛ در حالی که در مصادر اهل سنت از محمد بن علی بن ابی طالب یعنی محمد حنفیه و یا از ام سلمه روایت شده است. علامه طباطبایی(ره) در این باره می گوید: «ظاهراً در آغاز، عبارت «ابن ابی طالب» در بین نبوده، تنها محمد بن علی بود سپس راویان احادیث در این که محمد بن علی کیست، اختلاف کرده اند، بعضی پنداشته اند محمد بن علی بن ابی طالب(ع) است و بعضی دیگر با محمد بن علی بن الحسین(ع) تطبیقش کرده اند.» (همان، ج ۵، ص ۱۵۴)

۲. از نظر محتوایی آنچه در روایت محمد بن حنفیه و یا ام سلمه آمده، اعم از روایت امام باقر(ع) است. به عبارت دیگر، روایت محمد حنفیه یا ام سلمه هم یهودیان و مسیحیان دوران قبل از فرود آمدن حضرت عیسی(ع) و هم دوران پس از نزول او از آسمان را شامل می شود؛ ولی روایت امام باقر(ع) تنها شامل یهودیان و مسیحیان دوران پس از نزول عیسی(ع) از آسمان است.

۳. در روایت محمد بن حنفیه یا ام سلمه، جمله «پشت سر امام مهدی(ع) نماز می خواند» نیامده و تنها به فرود آمدن حضرت عیسی(ع) از آسمان اکتفا شده است. اما، با توجه به روایات دیگری که در منابع روایی اهل سنت وجود دارد<sup>۱</sup> و در آنها به زمان فرود حضرت مسیح(ع) از آسمان در دوران ظهور حضرت مهدی(ع) تصریح شده است؛ در این روایت نیز قطعاً منظور، نازل شدن حضرت عیسی(ع) در زمان ظهور امام زمان(ع) خواهد بود. بنابراین، عدم اشاره این روایت

به نماز گزاردن حضرت عیسی (ع) پشت سر امام مهدی (ع)، در این مطلب که حضرت مسیح (ع) پس از ظهور امام زمان (ع) از آسمان فرود می آید، خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

به دلیل ارتباط روایات نزول حضرت عیسی (ع) با روایات ظهور امام مهدی (ع) در مبحثی جداگانه به این موضوع می‌پردازیم.

### روایات نزول حضرت عیسی (ع) از آسمان

روایات نازل شدن حضرت عیسی (ع) در هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) در منابع فریقین، فراوان و به اصطلاح «مستفیض»<sup>۱۱</sup> است. در اینجا به عنوان مؤید روایات تفسیری، به تعدادی از روایات اهل سنت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

۱. در سنن ترمذی از رسول خدا (ص) روایت شده است که حضرت فرمود: «بشارت دهید، همانا امت من مانند باران است که مشخص نیست آخرش بهتر است یا اولش؛ یا مانند بوستانی است که جمع زیادی از آن بهره‌مند می‌شوند. چگونه امتی که من در ابتدا، مهدی در وسط و مسیح در انتهای آن قرار دارد هلاک می‌شود؟ لکن در این بین [افرادی] بدخوی وجود دارند که آنان از من نیستند و من از آنان نیستم.» (ترمذی، ج ۵، ص ۱۵۲، ب ۶، ح ۲۸۶۹)
۲. بخاری از رسول خدا روایت کرده که حضرت فرمود: «چگونه هستید هنگامی که فرزند مریم در بین شما فرود آید در حالی که امام شما از خود شما باشد؟» (بخاری، ج ۴، ص ۲۰۵، کتاب بدء الخلق، باب نزول عیسی بن مریم)
۳. رسول خدا (ص) فرمود: «کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌خواند از ما است.» (کنجی شافعی، ص ۵۰۰، ب ۷)

### ۳. آیه ۱۵۸ سوره انعام

خداوند متعال می‌فرماید: «هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي ربك أو يأتي بعض آيات ربك يوم يأتي بعض آيات ربك لا ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيراً» آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند، یا پروردگارت بیاید، یا پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت بیاید؟ [اما] روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد.»

### روایات تفسیری شیعه

روایات تفسیری شیعه که ذیل آیه مورد بحث وارد شده به دو دسته کلی تقسیم می شوند:

#### دسته اول - نشانه های قیامت

این روایات تأویل عبارت «یوم یأتی بعض ایات ربک... خیراً» را مربوط به دوران آخرالزمان دانسته و به ذکر اَشْرَاطُ السَّاعَةِ (نشانه های قیامت) پرداخته اند. در بعضی از این روایات فقط به طلوع خورشید از مغرب اشاره شده و در برخی دیگر نشانه های دیگری همچون خروج دجال و خروج جنبنده زمین نیز مطرح شده است. (نک: عیاشی، همان، ج ۱، ص ۳۸۴)

#### دسته دوم - روز خروج قائم (ع)

این روایات آیه مورد بحث را درباره امام مهدی (ع) تأویل کرده اند. شیخ صدوق دو روایت در این زمینه آورده است: «امام صادق (ع) درباره آیه «یوم یأتی بعض آیات ربک...» فرمود: منظور روز خروج قائم منتظر (ع) است. سپس فرمود: ای ابا بصیر، خوشا به حال شیعیان قائم ما که در دوران غیبتش منتظران ظهور او و در هنگام ظهورش مطیع او هستند؛ اینان اولیای خدا هستند که برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد.» (صدوق، بی تا، ص ۳۵۸، ح ۹)<sup>۱۲</sup>

#### روایات تفسیری اهل سنت

طبری روایات تفسیری ذیل آیه مذکور را به دو دسته تقسیم کرده است:

#### دسته اول - یکی از نشانه های قیامت

این روایات، منظور از «بعض آیات» در عبارت «یوم یأتی بعض آیات... خیراً» را فقط طلوع خورشید از مغرب می دانند. (نک: طبری، ج ۸، ص ۱۲۷، ح ۱۱۰۵۵)

#### دسته دوم - نشانه های قیامت

این دسته از روایات، منظور از عبارت مذکور را علاوه بر طلوع خورشید از مغرب، نشانه های دیگری همچون خروج جنبنده زمین، خروج یأجوج و مأجوج، خروج دجال و دود نیز می دانند. پنج روایت در این زمینه نقل شده است. (نک: همان، ج ۸، ص ۱۳۵، ح ۱۱۰۷۷)<sup>۱۳</sup>

### بررسی تطبیقی روایات فریقین

روایات تفسیری فریقین اجماع دارند که عبارت «یوم یأتی بعض آیات.. خیرا»، مربوط به علایم آخرالزمان است. این نشانه‌ها که در بعضی روایات، تعداد آنها به ده نشانه می‌رسد عبارتند از: ظاهر شدن دود، خروج دجال، نزول عیسی (ع)، خروج یأجوج و مأجوج، خروج جنبنده زمین، طلوع خورشید از مغرب، فرو رفتن زمین در مشرق، فرو رفتن زمین در مغرب، فرو رفتن زمین در جزیره العرب و خروج آتش از عدن (یمن).

یکی از این علایم که در روایات تفسیری فریقین به طور مکرر از آن یاد شده، خروج دجال است و آنچه که موجب ارتباط روایات تفسیری فریقین با یکدیگر می‌شود، همین موضوع است. مسئله دجال از مسائلی است که شیعه و سنی آن را به عنوان یکی از علایم آخرالزمان بر شمرده‌اند و احادیث فراوانی در منابع فریقین وجود دارد که کشته شدن دجال را به دست حضرت عیسی (ع) پس از فرود از آسمان در آخرالزمان نسبت می‌دهند. احادیث خروج دجال در صحیحین نیز وارد شده است.<sup>۱۴</sup> «نووی» تصریح کرده که احادیث وارده در مورد دجال برای اهل حق، حجت است؛ بدین معنا که وجود دجال، قطعی و صحیح است و او شخصی است که خداوند متعال بندگانش را به وسیله او امتحان می‌کند؛ تا آنجا که می‌گوید: این عقیده، مذهب اهل سنت و همه محدثان و فقیهان است. (نووی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۸، ص ۵۸)

ارتباط احادیث دجال به امام مهدی (ع) از شهادت علمای اهل سنت به تواتر احادیث مهدی (ع) و ظهور آن بزرگوار در آخرالزمان و خروج حضرت عیسی (ع) و یاری کردن او در کشتن دجال، ظاهر می‌شود. از جمله کسانی که به این تواتر تصریح کرده‌اند، ابن حجر عسقلانی است. وی گفته است: «اخبار و روایات مهدی (ع) به دلیل کثرت راویانشان از محمد مصطفی (ص) به حد تواتر و استفاضه رسیده است. در این روایات آمده که مهدی (ع) از اهل بیت پیامبر (ص) است و هفت سال در زمین حکومت و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و عیسی (ع) خروج می‌کند و او را در قتل دجال یاری می‌رساند. مهدی (ع) امام این امت است و عیسی (ع) در همه دوران او، پشت سر وی قرار دارد. (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۵۹)<sup>۱۵</sup>

ظهور آیه مورد بحث نیز منافاتی با روایات نقل شده ندارد و آنها را تأیید می کند.

#### ۴. آیه ۳۳ سوره توبه

خداوند متعال می فرماید: «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب گرداند؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

#### روایات تفسیری شیعه

روایاتی که در منابع روایی شیعه در ذیل آیه مورد بحث نقل شده به سه دسته کلی تقسیم می شوند:

#### دسته اول - غلبه اسلام بر سایر ادیان به دست امام مهدی (ع)

پنج روایت در مصادر روایی شیعه در این زمینه نقل شده که به یک روایت اشاره می کنیم. محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره تفسیر آیه «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق» سؤال کردم؛ حضرت فرمود: «او کسی است که به رسول خود برای ولایت و امامت وصیش فرمان داده است و ولایت، همان دین حق است. گفتم: منظور از «لیظهره علی الدین کله» چیست؟ فرمود: هنگام ظهور امام قائم (ع)، او را بر همه ادیان پیروز می گرداند.» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۹۱)<sup>۱۶</sup>

#### دسته دوم - غلبه اسلام بر سایر ادیان در همه شهرهای جهان

این دسته از روایات به تفسیر معنای غلبه و تسلط اسلام بر سایر ادیان پرداخته و توضیح داده اند که این پیروزی به چه صورت محقق خواهد شد. سه روایت در این زمینه وجود دارد. در مجمع البیان آمده است. (نک: طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۵، ص ۲۸۰)<sup>۱۷</sup>

#### دسته سوم - غلبه اسلام بر سایر ادیان در دوران رجعت

یک روایت در تفسیر عیاشی بدین مضمون نقل شده است. ابی مقدم از امام باقر (ع) نقل کرده است که حضرت فرمود: منظور از «لیظهره علی الدین کله» این است که خداوند این غلبه و پیروزی را در دوران رجعت محقق می سازد. (عیاشی، ج ۲، ص ۸۷، ح ۵۱)

### روایات تفسیری اهل سنت

در کتب روایی اهل سنت، سه دسته روایت در ذیل آیه مورد بحث نقل شده است.

#### دسته اول - غلبه اسلام بر سایر ادیان در دوران نزول عیسی (ع) از آسمان

این روایات تصریح دارند که این آیه شریفه، هنگام نزول حضرت عیسی (ع) از آسمان، تأویل خواهد شد. سه روایت در این زمینه وجود دارد که به نقل یکی از آنها بسنده می‌کنیم.

از مجاهد نقل شده است: «هنگامی که عیسی بن مریم (ع) نازل شود در روی زمین هیچ دینی جز اسلام باقی نخواهد ماند و اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد.» (بیهقی، بی تا، ج ۹، ص ۱۸۰)

#### دسته دوم - غلبه اسلام بر سایر ادیان در دوران امام مهدی (ع)

در این زمینه دو روایت وجود دارد:

۱. گنجی شافعی از سعید بن جبیر درباره تفسیر آیه شریفه «لیظهره علی الدین کله» نقل کرده است: «منظور مهدی (ع) است که از فرزندان فاطمه (س) می‌باشد.» (گنجی شافعی، بی تا، ص ۵۲۸، ب ۲۵)

آن گاه گنجی شافعی ادامه می‌دهد: «بین قول کسانی که گفته‌اند منظور از این آیه، عیسی بن مریم (ع) است با کسانی که قایلند: منظور، مهدی (ع) است هیچ تنافی وجود ندارد؛ زیرا عیسی بن مریم (ع)، همکار و یاور مهدی (ع) است.»

۲. از ابوهریره روایت شده است که گفت: «این آیه شریفه، وعده‌ای است از جانب خدای تعالی که اسلام را بر همه ادیان مسلط می‌کند. آن گاه راوی گفت: «این وعده الهی هنگام نازل شدن عیسی بن مریم (ع) به وقوع خواهد پیوست. و از سدی نقل شده است که: این وعده الهی هنگام خروج مهدی (ع) صورت می‌پذیرد به گونه‌ای که هیچ کس باقی نمی‌ماند جز این که یا داخل در دین اسلام شده و یا جزیه می‌پردازد.» (فخر رازی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۴۰)

#### دسته سوم - غلبه پیامبر اسلام (ص) بر سایر ادیان

دسته سوم از روایات تفسیری اهل سنت، روایتی است که مرجع ضمیر «لیظهره» را رسول خدا (ص) دانسته که در نتیجه، مفهوم آیه شریفه چنین خواهد شد: «خدا کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا وی را

بردشمنانش غالب گرداند؛ هر چند مشرکان نخواهند و ناراحت شوند.» (نک: طبری، ج ۱۰، ص ۱۵۰؛ سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۳، ص ۲۳۱)

### بررسی تطبیقی روایات فریقین

همان طور که از قول گنجی شافعی نقل شد؛ بین روایاتی که تأویل این آیه را در زمان نزول حضرت عیسی (ع) با آنهاایی که تأویلش را در زمان قیام امام مهدی (ع) دانسته‌اند، هیچ تضاد و تنافی وجود ندارد؛ زیرا حضرت عیسی (ع) همکار و یاور حضرت مهدی (ع) است. علاوه براین، روایات متعدد دیگری در منابع روایی شیعه و اهل سنت وجود دارد که تصریح دارند فرود حضرت عیسی (ع) از آسمان پس از قیام امام مهدی (ع) به وقوع خواهد پیوست و آن جناب در نماز جماعت به امامت حضرت مهدی (ع) شرکت خواهد کرد.

به عنوان نمونه بخاری و مسلم هر یک به سند خود از رسول خدا (ص) روایت کرده‌اند که حضرت فرمود: «چگونه هستید هنگامی که پسر مریم در بین شما فرود آید، در حالی که امام شما از میان خودتان باشد؟» (بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳؛ مسلم، ج ۱، ص ۹۴) همچنین در سایر کتب صحاح و مسانید اهل سنت روایات فراوانی یافت می‌شود که تصریح دارند منظور از امام مسلمانان حضرت مهدی (ع) است؛ از جمله روایتی است که ابن ابی شیبه نقل کرده است: «مهدی (ع) از میان این امت است و او همان کسی است که بر عیسی بن مریم (ع) امامت می‌کند.» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۶۸۹، ح ۱۹۵)

با این بیان از مجموع شش دسته روایاتی که در مصادر فریقین در ذیل آیه شریفه مورد بحث، وارد شده، چهار دسته آنها قابل جمع می‌باشد. به عبارت دیگر روایات دسته اول و دوم شیعه و روایات دسته دوم اهل سنت که تأویل آیه شریفه را در دوران ظهور امام مهدی (ع) می‌دانند با روایات دسته اول اهل سنت که تأویل این آیه را در زمان نزول حضرت عیسی (ع) از آسمان می‌دانند، همگی به دوران پس از قیام امام مهدی (ع) مربوط می‌شوند.

در مورد روایات دسته سوم شیعه اولاً یک خبر واحد بیشتر در این زمینه وجود ندارد. ثانیاً بر فرض صحیح بودن این روایت، می‌توان آن را چنین توجیه کرد که غلبه اسلام بر سایر ادیان در دوران رجعت نیز ادامه پیدا می‌کند. بنابراین منظور از این روایت، تداوم تسلط و غلبه اسلام بر سایر ادیان تا آن دوران می‌باشد.



اما آنچه درباره روایات دسته سوم اهل سنت باید گفته شود، این است که ارجاع ضمیر هاء در «لیظهره» به رسول اکرم (ع) با ظاهر و سیاق آیه شریفه، منافات دارد؛ چرا که اگر مرجع ضمیر در «لیظهره»، رسول اکرم (ص) باشد از نظر جمله بندی، مرجع ضمیر از خود ضمیر، نسبت به حالتی که مرجع آن، دین حق باشد، دورتر است؛ همچنین در این صورت معنای عبارت «لیظهره علی الدین کله» پیروزی شخص بر دین خواهد بود که چندان تناسبی ندارد؛ در حالی که اگر مرجع ضمیر، دین حق باشد، مفهوم عبارت مذکور، غالب شدن دین بر دین خواهد بود که تناسب آن واضح است. به علاوه، روایت مذکور، خبر واحدی است که طبری از ابن عباس نقل کرده است و مرحوم طبرسی نیز آن را تحت عنوان قول ضعیفی در مجمع البیان آورده است؛ بنابراین چندان قابل اعتماد نمی باشد.

نکته دیگر این که روایاتی که در منابع روایی اهل سنت در ذیل آیه مورد بحث آمده همگی از قول صحابه نقل شده و به رسول خدا (ص) منتسب نشده اند؛ اما با توجه به این که آنچه در مورد امام مهدی (ع) بیان شده از امور غیبی است و لذا نمی تواند جزء اجتهادات صحابه باشد، بنابراین به احتمال قوی این روایات، منتسب به نبی اکرم (ص) خواهند بود. ضمن این که برخی از اهل سنت از جمله حاکم نیشابوری درباره حجیت قول صحابه قایل است که: «تفسیر صحابی نزد اهل سنت به منزله حدیث مرفوع از پیامبر خدا است.» (زرکشی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۵۷) همچنین وی می گوید: «در نزد بخاری و مسلم تفسیر صحابی که شاهد وحی و نزول قرآن بوده است، حدیث مسند به شمار می آید.» (نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۵۸)

نتیجه سخن این که همه روایات تفسیری که در مصادر فریقین درباره آیه مذکور وارد شده است - به جز دو خبر واحد - حاکی از عملی شدن این آیه شریفه به دست توانای حضرت ولی عصر (ع) می باشند؛ بنابراین به تواتر معنوی<sup>۱۸</sup> رسیده است که سیطره و تسلط دین مهیمن اسلام بر جمیع ادیان در دوران حکومت آن بزرگوار محقق خواهد شد. همچنین سنت الهی از ابتدای خلقت بشر بر این بوده است که پرچم هدایت انسانها را به دست فردی معصوم اعم از پیامبر یا امام قرار دهد و این سنت تا قیامت ادامه خواهد داشت. این مطلب از روایات نیز استفاده می شود که اگر لحظه ای زمین از حجت خالی بماند، نقض غرض شده و

بساط آسمان‌ها و زمین درهم پیچیده خواهد شد. (نک: صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵۳؛ صدوق، ۱۴۰۵ق، ص ۲۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۵-۶)

### ۵. آیه ۵ سوره قصص

خدای متعال می‌فرماید: «ونرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم أئمة ونجعلهم الوارثین» و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم.

### روایات تفسیری شیعه

در مصادر روایی شیعه، سه دسته روایت در ذیل آیه مذکور وارد شده است:

#### دسته اول - روی آوردن دنیا به ائمه (ع)

این دسته از روایات می‌گویند منظور از مستضعفان در آیه شریفه، ائمه آل محمد (ع) می‌باشند. چهار روایت در این باره وجود دارد که به یک روایت اشاره می‌کنیم.

در نهج البلاغه آمده است که: «دنیا پس از سرکشی، به ما روی می‌کند، چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد. (سپس این آیه را خواند): و اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت گذارده آنان را امامان و وارثان حکومت‌ها گردانیم.» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹؛ بحرانی، ج ۴، ص ۲۱۸)<sup>۱۹</sup>

#### دسته دوم - اثبات رجعت

نعمانی در تفسیر منسوب به وی از امام صادق (ع) روایت می‌کند که حضرت طی یک حدیث طولانی که به ۱۲۸ صفحه می‌رسد، مجموعه پرسش‌هایی از آیات قرآن را از امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌کند که در بخشی از این روایت آمده است: «...دلیل دیگر بر رد منکر مسأله رجعت این آیه است: «ونرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین...» (مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۱۸، ح ۱۴۹، عن تفسیر النعمانی)

#### دسته سوم - اختصاص آیه ۵ قصص به امام مهدی (ع)

روایتی است که این آیه شریفه را درباره امام زمان (ع) و نابود شدن جباران و فرعون‌ها توسط ایشان تأویل کرده است. در تفسیر برهان از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که: «این آیه، مخصوص صاحب امر است همان که در آخر الزمان ظهور می‌کند و جباران و فرعون‌ها را نابود می‌سازد و شرق و

غرب زمین را به تملک در می آورد و آن را از عدل، پر می کند؛ چنانچه از ستم پر گشته بود.» (بحرانی، ج ۴، ص ۲۲۰، ح ۱۲)

### روایات تفسیری اهل سنت

در منابع اهل سنت سه دسته روایت درباره این آیه وجود دارد:

#### دسته اول - اختصاص آیه ۵ قصص به بنی اسرائیل

این دسته از روایات منظور از آیه مذکور را قوم بنی اسرائیل می داند. (نک: طبری، ج ۲۰، ص ۳۶؛ سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۵، ص ۱۲۰)

#### دسته دوم - اختصاص آیه ۵ قصص به یوسف و فرزندانش

یک روایت تأویل آیه مورد بحث را درباره حضرت یوسف و فرزندانش می داند. (نک: سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۵، ص ۱۲۰)

#### دسته سوم - اختصاص آیه ۵ قصص به ائمه (ع)

تنها روایتی که تأویل آیه مورد بحث را ائمه آل محمد (ع) می داند حاکم حسکانی روایت کرده است: «علی (ع) فرمود: «دنیا به ما روی می کند چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد؛ سپس این آیه را خواند: و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض...» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۵۶، ح ۵۹۰)

### بررسی تطبیقی روایات فریقین

سه دسته روایات تفسیری شیعه تحت یک عنوان، قابل جمع هستند. به عبارت دیگر، روایاتی که تأویل آیه مذکور را درباره امام مهدی (ع)، یا مربوط به دوران رجعت و یادگار ارتباط با ائمه اهل بیت (ع) می دانند، در حقیقت همه آنها به یک دوره اشاره دارند که از زمان ظهور حضرت مهدی (ع) آغاز و تا دوران رجعت پیامبر (ص) و ائمه (ع) و پس از آن ادامه خواهد یافت.

در مورد روایات تفسیری اهل سنت باید بگوییم که دسته اول و دوم روایات آنها نیز قابل جمع است؛ زیرا روایتی که تأویل آیه مورد بحث را درباره حضرت یوسف و فرزندانش می دانست، به تعمیم آیه نظر دارد و منظورش همچون روایات دسته اول، قوم بنی اسرائیل می باشد؛ زیرا حضرت یوسف و فرزندانش نیز از آباء و اجداد قوم بنی اسرائیل بودند. به علاوه، روایت دسته دوم، خیر واحدی بیش نیست و اگر با روایات دسته اول، جمع نشود با ظاهر و سیاق آیه نیز موافقت نخواهد داشت. بنابراین همه روایات تفسیری اهل سنت مربوط به تأویل آیه شریفه، درباره قوم بنی اسرائیل است و تنها یک روایت که متن آن به صورت های مختلف و

مشابه نقل شده است، تأویل این آیه را درباره ائمه (ع) می‌داند و این روایت در شواهد التنزیل حاکم حسکانی و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید نقل شده است.

اینک به بررسی مقارنه‌ای این روایت در مصادر فریقین می‌پردازیم.

روایت نهج البلاغه بدون سلسله سند نقل شده است؛ علت آن این است که سید رضی در صدد تألیف کتاب حدیثی نبوده تا سلسله سند احادیث نهج البلاغه را ذکر کند؛ بلکه چنانچه از نام این کتاب مشخص است در صدد تألیف کتابی برای جمع آوری فرمایشات امیر مؤمنان (ع) در زمینه فصاحت و بلاغت بوده است. اما در کتاب تأویل الایات، دو روایت با دو سلسله سند - که متن آنها شبیه روایت نهج البلاغه می‌باشد - نقل شده است که به آنها اشاره می‌کنیم تا نقص سندی روایت نهج البلاغه جبران گردد.

الف - ربیعہ بن ناجذ گفت: «شنیدم علی (ع) درباره آیه «ونرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض» چنین می‌فرماید: «این دنیا به اهل بیت: روی می‌کند چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد.»

ب - محمد بن عباس از علی (ع) نقل می‌کند که حضرت درباره آیه «ونرید ان نمین...» فرمودند: «سوگند به کسی که دانه را شکافت و موجود زنده را آفرید، این دنیا به ما روی می‌کند چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد.» (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۱)

همچنین در شواهد التنزیل علاوه بر روایتی که قبلاً نقل شد؛<sup>۲۰</sup> روایت دیگری بدین مضمون نقل شده است: «عیاشی از ربیعہ بن ناجذ از علی (ع) روایت می‌کند که حضرت، آیه «ونرید ان نمین...» را تلاوت کرد و فرمود: «این آیه، به بنی هاشم روی می‌آورد چنانچه شتر ماده بدخو به بچه خود مهربان گردد.»

از مجموع آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که روایت نهج البلاغه، متواتر اجمالی<sup>۲۱</sup> است؛ زیرا متن این حدیث در مصادر شیعه به سه شکل - یک شکل در نهج البلاغه و دو شکل در تأویل الایات - و در مصادر اهل سنت به سه صورت - یک صورت در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و دو صورت در شواهد التنزیل حاکم حسکانی - نقل شده است که مضمون همه آنها این معنا را افاده می‌کند که تأویل آیه ۵ سوره قصص درباره اهل بیت پیامبر (ع) می‌باشد.

چنانچه ملاحظه گردید سلسله سند سه روایت - دو روایت از شواهد التنزیل و یک روایت از تأویل الایات - به ربیعہ بن ناجذ رسیده و او از امیر المؤمنین (ع)

روایت کرده است. همچنین در متن حدیث نهج البلاغه، قید «بعد شماسها» آمده است؛ در حالی که در سایر منابع، این قید وجود ندارد؛ ولی عدم وجود این قید، به معنای اصلی روایت، خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

مطلب دیگر این که روایات مذکور، اگرچه در تفاسیر و منابع مهم روایی شیعه وارد شده‌اند؛ اما در هیچ یک از تفاسیر و مصادر مهم روایی اهل سنت، ذکری از آنها به میان نیامده است. آنچه که این مسأله را جبران می‌کند همسو بودن این روایات با تأویل آیه شریفه و مطابقت داشتن آنها با سنت الهی مبنی بر استخلاف و جانشینی مستضعفان در روی زمین است که آیه مورد بحث به یکی از مصادیق آن نظر دارد. همچنین روایات دیگری که در منابع مهم روایی اهل سنت در این زمینه وارد شده است، مفاد این روایات را تأیید می‌کند. اینک به نقل دو روایت به عنوان مؤید روایات مذکور می‌پردازیم.

۱. رسول خدا(ص) فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا این که زمین پر از ظلم و دشمنی گردد؛ آن گاه مردی از اهل بیت من خروج می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان گونه که پر از ستم و دشمنی شده بود.» (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۳۶؛ نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۵۵۷)

۲. رسول خدا(ص) فرمود: «روزها و روزگار به پایان نمی‌رسد تا این که مردی از اهل بیت من که اسم او همانند اسم من است، بر عرب حکومت می‌نماید.» (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۱۷؛ ترمذی، ۱۴۳ق، ج ۴، ص ۵۰۵، ح ۲۲۳۰)

### ۶. آیه ۵۱ سوره سبأ

خدای متعال می‌فرماید: «ولو تری اذ فزعوا فلا فوت و أخذوا من مکان قریب» و ای کاش می‌دیدید هنگامی را که کافران وحشت زده‌اند آنجا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک، گرفتار آمده‌اند.

### روایات تفسیری شیعه

روایاتی که در منابع روایی شیعی در ذیل آیه مورد بحث، وارد شده است، همگی تأویل آیه شریفه را مربوط به فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء به زمین می‌دانند. تعداد این روایات، هشت روایت است که به یک روایت اشاره می‌کنیم.

از امیر مؤمنان(ع) نقل شده است: (مهدی(ع)، درشت چشم، مجعد مو، بر گونه‌اش خال و مبدأ ظهور او مشرق است. زمانی فرامی‌رسد که سفیانی خروج

کرده و به مدت دوران حمل زنان یعنی نه ماه حکومت می کند؛ وی از شام حرکت کرده و مردم شام - جز طوایفی از اقامه کنندگان حق که خداوند آنها را از خروج با او مصون و محفوظ می دارد - همگی رهبری او را می پذیرند؛ آن گاه به همراه لشکری وارد مدینه می شود؛ هنگامی که به سرزمین بیداء مدینه می رسند، خداوند آنها را در زمین فرو می برد. این تأویل فرموده خدای عزوجل است که: «ولوتري اذ فزعوا فلا فتوت واخذوا من مكان قريب.» (نعمانی، بی تا، ص ۳۰۵، ح ۱۴؛ بحرانی، ج ۴، ص ۳۵۴؛ مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۵۲)<sup>۲۲</sup>

### روایات تفسیری اهل سنت

روایات تفسیری اهل سنت در ذیل آیه مذکور به سه دسته تقسیم می شوند:

#### دسته اول - نزول عذاب الهی بر مشرکان در دنیا

روایت ذیل نمونه ای از این دسته روایات است: «ابن عباس درباره آیه شریفه «ولوتري...» گفته است: منظور عذاب دنیوی مشرکان است.» (طبری، ج ۲۲، ص ۱۲۸، ح ۲۲۰۷۸)

#### دسته دوم - نزول عذاب الهی بر مشرکان هنگام خروج از قبر در قیامت

این دسته از روایات می گویند منظور از آیه شریفه، مشرکان هستند؛ هنگامی که در روز رستاخیز از قبر خارج می شوند. (نک: همان، ح ۲۲۰۸۵)

#### دسته سوم - فرو رفتن لشکر سفیانی به زمین بیداء

این روایات منظور از آیه شریفه را لشکری می داند که در سرزمین بیداء به زمین فرو می روند. هشت روایت در این باره در منابع روایی اهل سنت وارد شده است؛ طبری در تفسیرش چهار روایت در این زمینه نقل کرده است.<sup>۲۳</sup> سیوطی نیز روایات متعددی در ذیل آیه مورد بحث نقل کرده است که از جمله آنها روایت زیر است:

حاکم - ضمن آن که این حدیث را صحیح دانسته - از ابوهریره روایت کرده که وی در ذیل آیه «ولوتري اذ فزعوا» گفته است: رسول خدا (ص) فرمود: «در آینده مردی در عمق دمشق خروج می کند که او را «سفیانی» می گویند؛ عموم پیروانش از قبیله کلب هستند؛ دست به کشتار می زند و حتی شکم زنان را پاره می کند؛ کودکان را به قتل می رساند، تا آن که قبیله قیس علیه او قیام کند؛ او قیس را می کشد و جایی را از ستم خود خالی نمی گذارد؛ در این هنگام مردی از اهل بیت من خروج می کند، تا به سفیانی می رسد و ستونی از لشکر خود را

به سرکوبی وی می‌فرستد؛ ایشان را منهزم نموده و شکست می‌دهد؛ سفیانی با همراهان خود راه می‌افتد تا به «بیداء» می‌رسند؛ در آن سرزمین دچار خسف شده و در زمین فرو می‌روند؛ احدی از ایشان باقی نمی‌ماند؛ مگر کسی که سرگذشت آنان را برای مردم خبر دهد. (سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۵، ص ۲۴۱)

### بررسی تطبیقی روایات تفسیری فریقین

آنچه از روایات تفسیری فریقین در ذیل آیه ۵۱ سوره سبأ مربوط به امام مهدی (ع) می‌شود، روایاتی است که مربوط به واقعه خسف بیداء و فرو رفتن لشکر سفیانی در آن سرزمین به زمین است. روایات مربوط به واقعه خسف بیداء، در منابع روایی فریقین در حد متواتر معنوی و یا حداقل مستفیض هستند.

روایات تفسیری اهل سنت در ذیل آیه مذکور اگر چه به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ اما روایات مربوط به واقعه خسف بیداء، بیش از دو گروه دیگر است و این خود مؤید احتمال تأویل این آیه شریفه در مورد آن واقعه و یا لااقل یکی از تأویل‌های درست آیه در این زمینه است.

از هشت روایت تفسیری شیعه در ذیل آیه مورد بحث، چهار روایت از امیرالمؤمنین (ع)، سه روایت از امام باقر (ع) و یک روایت از امام سجاد (ع) نقل شده است و از مجموع هفت روایت تفسیری اهل سنت سه روایت آن نبوی، یک روایت از امام علی (ع) و چهار روایت دیگر از صحابه و تابعین نقل شده است.

همچنین روایات هشتگانه شیعی، همگی مسندند و از هشت روایت اهل سنت در این زمینه، چهار روایت مسند و چهار روایت نیز موقوف می‌باشد. در مجموع با عنایت به آنچه در دیدگاه تفسیری فریقین گذشت و وجود شانزده روایت تفسیری در منابع فریقین، می‌توان ادعا نمود یکی از مصادیق بارز و تأویل‌های صحیح آیه مورد بحث، واقعه خسف بیداء می‌باشد.

### ۷. سوره شوری آیات ۱ و ۲

خداوند متعال می‌فرماید: «حم عسق»

### روایات تفسیری شیعه

در منابع روایی شیعه چهار روایت تفسیری در ذیل آیه مورد بحث وجود دارد که در دو روایت، تأویل آیه شریفه به امام مهدی (ع) مربوط می‌شود.

۱. علی بن ابراهیم قمی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «حم عسق» سال‌های عمر امام قائم است و «ق»، کوهی است گرد دنیا از زمرد سبز که

سبزی آسمان از آن است و همه علم، در «عسق» می باشد. (قمی، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۷)

۲. از امام باقر (ع) نقل شده است که حضرت فرمود: «حم»، حتم است و «عین»، عذاب و «سین»، سال هایی مانند سال های یوسف و «قاف»، غرق شدن، فرو رفتن و تغییر شکل دادن (مسخ) است که در آخر الزمان با سفیانی و یارانش صورت می پذیرد؛ سی میلیون نفر از قبیله کلب با او قیام می کنند؛ همان زمانی که حضرت قائم (ع) در مکه خروج می کند و او مهدی این امت است. (حسینی، استرآبادی، ج ۲، ص ۵۴۲)

### روایات تفسیری اهل سنت

در منابع روایی اهل سنت نیز چهار روایت تفسیری در ذیل آیه مذکور نقل شده است که دو روایت مربوط به امام مهدی (ع) می شود.

۱. در تفسیر ثعلبی در ذیل آیه اول سوره شوری آمده است: بکر بن عبدالله مزنی گفته است: «.. «سین»، بلند مرتبگی مهدی (ع) و «ق»، قدرت عیسی (ع) است هنگامی که فرود می آید؛ آن گاه نصارا را کشته و معابد آنان را خراب می کند.» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ذیل آیه اول شوری)

۲. در کتاب «البدء والتاریخ» نقل شده است که بعضی از مفسران از سهل بلخی درباره «حم عسق» نقل کرده اند: «منظور از «حاء» و «میم»، حکومت بنی امیه، «عین»، حکومت بنی عباس و «سین»، حکومت سفیانی است.» (کوران، ج ۵، ص ۳۹۵، ح ۱۸۳۵)

### بررسی تطبیقی روایات تفسیری فریقین

تفاوت آیه مورد بحث با سایر آیاتی که مورد بررسی قرار گرفته در این است که در آیات دیگر می توانستیم از ظاهر آیه و سیاق آیات قبل و بعد آن به عنوان دلیل یا حداقل مؤیدی بر صحت مفاد روایات تفسیری استفاده کنیم؛ اما در مورد آیه مورد بحث چنین کاری میسر نیست؛ زیرا حروف مقطعه فاقد ظهور و سیاق هستند و آنچه مفسران درباره این حروف گفته اند، چیزی نیست جز آنچه که در روایات به آن اشاره شده است. بنابراین در بررسی روایات تفسیری ذیل «حم عسق» هیچ ابزاری برای تأیید یا رد مفاد آنها در دست نداریم.

با این بیان و ملاحظه هشت روایت تفسیری که از منابع روایی فریقین در ذیل آیه مذکور نقل شد. که در آنها هشت معنای مختلف از «حم عسق» مطرح



شده بود - روشن می‌شود که از این روایات نمی‌توان به معنای واقعی دست یافت؛ اما در عین حال آنچه مشهود است، این است که از بین این هشت روایت، چهار روایت - دو روایت از شیعه و دو روایت از اهل سنت - به نحوی مربوط به امام مهدی (ع) می‌شود که اینک به بررسی بیشتر این چهار روایت می‌پردازیم.

از بین دو روایت شیعه، یک روایت که قمی نقل کرده، مسند و روایت دیگر، مرفوع است و هر دو روایت اهل سنت، فاقد سلسله سند می‌باشد؛ بنابراین حتی اگر بخواهیم با بررسی سند به صحت این روایات پی ببریم، بر فرض ثقه بودن روایت حدیث قمی، تازه به یک خبر واحد در این زمینه دست یافته‌ایم. البته اگر مفاد سه روایت دیگر با روایت قمی تشابه داشت، می‌توانستیم به یک احتمال قابل توجه درباره «حم عسق» برسیم؛ اما با بررسی آنچه که در متن سه روایت دیگر درباره امام مهدی (ع) نقل شده است، مشاهده می‌شود که در مورد حرف مقطعه «س»، دو معنای بلند مرتبگی حضرت مهدی (ع) و حکومت سفیانی و در مورد حرف مقطعه «ق»، دو معنای قذف و خسف لشکر سفیانی و قدرت حضرت مسیح (ع) بیان شده که هیچ ارتباطی با روایت قمی که «س» و «ق» را به معنای سال‌های عمر قائم (ع) مطرح کرده است، وجود ندارد.

در مجموع به نظر می‌رسد بهترین گفتار همان سخنی است که فخر رازی بیان کرده و آن این که علم این حروف را به خداوند تعالی واگذار نماییم که اگر ما با این فهم ناقص و قاصر خویش بخواهیم چیزی بگوییم به گزاف گویی منجر خواهد شد. (فخر رازی، ج ۲۷، ص ۱۴۱)

#### ۸. آیه ۴ سوره محمد (ص)

خداوند عزوجل می‌فرماید: «فاذا لقیتم الذین کفروا فضرِب الرقاب حتی اذا اُثختموهم فشدوا الوثاق فاما مناً بعد واما فداء حتی تضع الحرب اوزارها» پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند، برخورد کنید، گردن‌هایشان را بزنید. تا چون آنان را در کشتار از پای در آورید، پس اسیران را استوار در بند کشید؛ سپس یا بر آنان منت نهید و آزادشان کنید و یا فدیة و عوض از ایشان بگیرید، تا در جنگ، اسلحه بر زمین گذاشته شود.

#### روایات تفسیری شیعه

روایات تفسیری شیعه در ذیل آیه مورد بحث به دو دسته تقسیم می‌شوند:

### دسته اول - اقسام اسیران جنگی و احکام آنان

این دسته از روایات درباره بحث اسیران جنگی، اقسام آنها و احکام فقهی آنان وارد شده است. چهار روایت در این زمینه در منابع روایی شیعه آمده است. (نک: طبرسی، ج ۵، ص ۹۷؛ حویزی، ج ۵، ص ۲۸)

### دسته دوم - دوران قیام قائم (ع)

این روایات تأویل «حتی تضع الحرب أوزارها» را در دوران آخر الزمان و پس از ظهور امام مهدی (ع) می دانند. شیخ صدوق در خصال دو روایت در این زمینه نقل کرده است که به یکی از آن ها اشاره می کنیم.

امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: «به یاد دارندگان اصحاب پیامبر اسلام محمد (ص) آگاهند که در بین آنها کسی نیست که دارای منقبتی باشد، جز این که من در آن منقبت شریک هستم و بر وی فضیلت و برتری دارم؛ و من هفتاد منقبت دارم که هیچ کس از آنان در این مناقب با من شریک نیست. گفتم: ای امیر مؤمنان، مرا از آنها مطلع کن. سپس فرمود: ... پنجاه و سومین منقبت من این است که خدای تبارک و تعالی دنیا را به پایان نمی رساند تا قائم ما قیام کرده و دشمنان ما را به قتل برساند. او جزیه را نمی پذیرد، صلیب و بت ها را می شکند و در جنگ، اسلحه بر زمین گذاشته می شود (جنگ به پایان می رسد). دعوت به اخذ مال کرده و آن را به طور مساوی تقسیم می کند و در مورد رعیت به عدالت رفتار می کند...» (صدوق، بی تا، ص ۵۷۸-۵۷۹، ح ۱)<sup>۲۴</sup>

### روایات تفسیری اهل سنت

روایات تفسیری اهل سنت در ذیل فراز «حتی تضع الحرب أوزارها» از آیه مورد بحث، به سه دسته تقسیم می شوند:

### دسته اول - دوران نزول عیسی (ع) از آسمان

این دسته از روایات تأویل فراز مذکور را در زمان خروج عیسی (ع) می دانند. دو روایت در این زمینه وجود. (نک: بیهقی، ج ۹، ص ۱۸۰)

### دسته دوم - دوران عدم شرک در زمین

این روایات تأویل عبارت مذکور را در زمانی می دانند که شرکی باقی نمانده باشد. طبری دو روایت در این مورد نقل کرده است. (طبری، ج ۲۶، ص ۵۶)

### دسته سوم - دوران خروج یا جوج و مأجوج

یک روایت است که تأویل عبارت «حتی تضع الحرب أوزارها» را در زمان خروج یا جوج و مأجوج می‌داند. (نک: سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۶، ص ۴۷)

#### بررسی تطبیقی روایات فریقین

در روایات تفسیری شیعه یک روایت از امیرمؤمنان (ع) نقل شده است که تأویل عبارت «حتی تضع الحرب أوزارها» را در زمان ظهور امام مهدی (ع) و روایت دیگری از امام صادق (ع) بیان شده است که تحقق این فراز از آیه شریفه را در زمان طلوع خورشید از مغرب می‌داند. همچنین درسه دسته روایات تفسیری اهل سنت که از قول صحابه و تابعین نقل شده است، زمان محقق شدن عبارت «حتی تضع الحرب أوزارها» یا در زمان فرود آمدن حضرت عیسی (ع)، یا زمانی که شرک از روی زمین برچیده شده باشد و یا در زمان خروج یا جوج و مأجوج بیان شده است.

با نگاهی به این پنج دسته روایت، می‌توان بین آنها جمع نمود. وجه جمع بین آنها این است که همه این اتفاقات یعنی نزول عیسی (ع)، برچیده شدن شرک، خروج یا جوج و مأجوج و طلوع خورشید از مغرب پس از ظهور امام مهدی (ع) رخ می‌دهد؛ بنابراین تأویل و تحقق این فراز از آیه مورد بحث - یعنی پایان یافتن جنگ در روی زمین - با توجه به روایات مذکور و اطلاق آیه، پس از قیام آن حضرت حاصل می‌شود.

با ملاحظه سند روایات فریقین مشاهده می‌شود که روایاتی که از شیعه نقل شده است، هر دو مسند بوده؛ اما روایات دسته اول و دوم اهل سنت که هر یک شامل دو روایت است، مقطوع می‌باشند و روایت دسته سوم اهل سنت مسند و از زبان رسول خدا (ص) نقل شده است.

#### نتیجه گیری

از آنچه در بررسی تطبیقی مهدویت در روایات تفسیری شیعه و اهل سنت گذشت، می‌توان به این نتایج دست یافت:

۱. از بین بیش از شش هزار و دویست آیه قرآن تنها هشت آیه وجود دارد که هم روایات تفسیری شیعه و هم روایات تفسیری اهل سنت، تفسیر یا تأویل آنها را درباره موضوع مهدویت دانسته اند.

۲. از روایات تفسیری فریقین در ذیل آیه ۶۹ نساء، دلالت این روایات مبنی بر تأویل آیه شریفه درباره ائمه(ع) و از جمله امام مهدی(ع) روشن شد.
۳. حاصل روایات تفسیری مربوط به آیه ۱۵۹ نساء این شد که اهل کتاب در دوران نزول عیسی(ع) از آسمان که پس از ظهور امام مهدی(ع) اتفاق خواهد افتاد، به عیسی(ع) ایمان خواهند آورد.
۴. روایات تفسیری فریقین درباره آیه ۱۵۸ انعام ناظر به نشانه های آخرالزمان و از جمله خروج دجال است که طبق این روایات، وی به دست حضرت عیسی(ع) در دوران پس از ظهور امام مهدی(ع) کشته خواهد شد.
۵. نتیجه روایات تفسیری آیه ۳۳ توبه این شد که دین اسلام در نهایت بر همه ادیان غالب خواهد شد و این اتفاق در دوران امام مهدی(ع) رخ خواهد داد.
۶. نقطه اشتراک روایات تفسیری مرتبط با مهدویت در ذیل آیه ۵ قصص روی آوردن دنیا به ائمه(ع) در آخرالزمان و پس از ظهور امام مهدی(ع) می باشد.
۷. فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین بیداء در دوران ظهور امام مهدی(ع) وجه اشتراک روایات تفسیری فریقین در ذیل آیه ۵۱ سبأ می باشد.
۸. از روایات تفسیری مربوط به آیات ۲۱ و ۲۰ سوره شوری به دلیل حروف مقطعه بودن این آیات، نمی توان برداشت صحیحی درباره تأویل این آیات درباره امام مهدی(ع) ارائه نمود.
۹. پایان یافتن جنگها پس از ظهور امام مهدی(ع) نتیجه ای است که از روایات تفسیری مرتبط با مهدویت، در مورد آیه ۴ سوره محمد(ص) حاصل شده است.

### یادداشتها

۱. عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر.
۲. برای مشاهده روایت دوم نک: قمی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۱۱۴.
۳. نک: طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۲۵؛ سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۲، ص ۱۸۲.
۴. سه روایت دیگر عبارتند از: ح ۲۰۶، ح ۲۰۷ و ح ۲۰۸ در همین منبع.
۵. مسند، حدیثی است که سلسله سند آن در جمیع مراتب تا معصوم مذکور و متصل باشد، بدون آن که به واسطه سقوط چیزی از آن دچار بریدگی شده باشد. (تلخیص المقباس، ص ۴۳)

۶. موقوف، حدیثی است که از مصاحب معصوم نقل شود چه سلسله سند به صحابی متصل باشد و چه منفصل. (تلخیص المقباس، ص ۶۸)
۷. مرسل، حدیثی است که همه روای آن و یا بعض روایش، خواه یکی یا بیشتر، از سلسله سند حذف شده باشد. (تلخیص المقباس، ص ۷۰)
۸. مفرد، حدیثی است که فقط یک راوی، آن را از جمیع روایان روایت کرده باشد. (تلخیص المقباس، ص ۴۷)
۹. همچنین احادیث شماره ۲۹۹ و ۳۰۰ در همین منبع نیز مربوط به دسته دوم روایات تفسیری شیعه می باشد.
۱۰. به تعدادی از این روایات در مبحث «روایات نزول عیسی (ع)» - که به زودی می آید - اشاره شده است.
۱۱. روایت مستفیض آن است که تعداد روایان آن از سه نفر بیشتر باشد اما به حد تواتر نرسد. (تلخیص المقباس، ص ۲۸)
۱۲. روایت دوم را ببینید در همین منبع، ص ۳۳۶، ح ۵۴.
۱۳. همچنین احادیث ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹ مربوط به دسته دوم می باشد.
۱۴. نک: بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۱۰۱؛ نووی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۸، ص ۵۸-۷۸.
۱۵. علاوه بر این سایر علمای اهل سنت نیز عباراتی درباره تواتر احادیث مهدی (ع) دارند که به برخی از آنها اشاره می کنیم: الف: ابن حجر هیثمی در کتاب الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۱۱ می گوید: «احادیثی که در آن اشاره به ظهور مهدی بسیار زیاد به حد متواتر است.» ب - علامه مناوی در کتاب فیض القدیر، ذیل حدیث ۹۲۴۵ می گوید: «اخبار مهدی زیاد و مشهور است به حدی که جماعتی درباره این احادیث تألیفات مستقلی دارند.»
۱۶. علاوه بر روایت مذکور، روایات ذیل نیز مربوط به دسته اول می باشد: صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۷۰، ب ۵۸، ح ۱۶؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۴؛ عیاشی، بی تا، ج ۲، ص ۸۷، ح ۵۲، حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۸.
۱۷. در تفسیر عیاشی این روایت مشاهده نشد. همچنین روایات ذیل نیز مربوط به دسته دوم می شود: الف - مجلسی، ج ۵۳، ص ۱، ب ۲۵؛ ب - عیاشی، ج ۲، ص ۸۷، ح ۵۰.

۱۸. متواتر معنوی آن است که مورد تواتر، قدر مشترک چند خبر باشد؛ به عبارت دیگر مضمون چند حدیث، یکی ولی قالب الفاظ آنها متفاوت باشد، مانند شجاعت امیرالمؤمنین (ع) که مفاد مشترک جمعی از اخبار است. (تلخیص المقباس، ص ۲۷)
۱۹. دو روایت دیگر را ببینید در: بحرانی، ج ۴، ص ۲۱۷، ح ۲ و ص ۲۱۹، ح ۹.
۲۰. نک: دسته سوم روایات تفسیری اهل سنت در ذیل آیه مورد بحث.
۲۱. متواتر اجمالی عبارت است از علم اجمالی به صحت یکی از چند حدیثی که در یک موضوع وارد شده است. (درایه الحدیث مدیرشانه چی، ص ۳۷).
۲۲. سایر روایات تفسیری شیعه مربوط به خسف بیداء را در منابع ذیل ببینید:  
الف: تفسیر قمی، ج ۲ / ۲۰۵. ب: البدء والتاریخ، ج ۲ / ۱۷۷. ج: کتاب سلیم بن قیس / ۱۹۷. د: مختصر بصائر الدرجات / ۱۹۹. ه: مجمع البیان، ج ۴ / ۳۹۷. و: تأویل الایات، ج ۲ / ۴۷۸، ح ۱۲.
۲۳. نک: تفسیر طبری، ج ۲۲، ص ۱۲۸، ح ۲۲۰۸۱، ۲۲۰۸۲، ۲۲۰۸۳ و ۲۲۰۸۴.
۲۴. روایت دوم را ببینید در: صدوق، بی تا، ص ۵۷۹، ح ۲.

### کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی.
۳. ابن ابی شیبیه، المصنف، بیروت، دارالفکر، تحقیق: سعید محمد اللحام، الطبعه الاولى، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
۵. بابایی، علی اکبر، روش شناسی تفسیر قرآن، قم پژوهشکده حوزه و دانشگاه با همکاری سازمان سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.

۶. بحرانی، سید هاشم، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول (دو جلد تاکنون)، ۱۴۱۵ق. (از سوره یونس به بعد از چاپ چهار جلدی قدیم می‌باشد).
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۸. بیهقی، احمد بن الحسین، **السنن الکبری**، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی، **سنن الترمذی**، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۱۰. ثعلبی، احمد بن محمد بن ابراهیم، **الکشف والبیان**، دراسه و تحقیق: أبی محمد بن عاشور، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۱۱. حسکانی، عبید الله بن احمد، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلہ فی اهل البیت**، تحقیق: محمد باقر محمودی، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ق.
۱۲. حسینی استرآبادی، شرف الدین، **تأویل الایات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره**، قم، المطبعة الامیر، الطبعة الاولى، ۱۴۰۷ق.
۱۳. حویزی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، الطبعة الرابعه، ۱۴۱۲ق.
۱۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، **الدر المنثور**، جده، دار المعرفه، الطبعة الاولى، ۱۳۶۵ق.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، **الامالی**، قم، مؤسسه البعثه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، **الخصال**، تحقیق: علی اکبر غفاری، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه، بی تا.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، **کمال الدین و تمام النعمه**، تحقیق: علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۰۵ق.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن الحسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.

۲۰. طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان عن تأویل آیات القرآن**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۱. طوسی، محمد بن الحسن، **الامالی**، قم، دارالثقافه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ق.
۲۲. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، **تهذیب التهذیب**، دارالفکر، الطبعة الاولى، ۱۴۰۴ق.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود، **التفسیر العیاشی**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
۲۴. فخر رازی، **التفسیر الکبیر**، مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الرابعه، ۱۴۱۳ق.
۲۵. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، **تفسیر فرات الکوفی**، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، قم، مؤسسه دار الکتب للطباعه والنشر، چاپ سوم، بی تا.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثالثه، ۱۳۸۸ق.
۲۹. کورانی، علی، **معجم احادیث الامام المهدي**، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ق.
۳۰. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، **البیان فی اخبار صاحب الزمان**، تهران، دار احیاء تراث اهل البیت، بی تا.
۳۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانيه، ۱۴۰۳ق.
۳۲. مسلم، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبه**، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، بی تا.
۳۴. نووی، **صحیح مسلم بشرح النووی**، بیروت، دارالکتب العربی، الطبعة الثانيه، ۱۴۰۷ق.
۳۵. نیشابوری، محمد بن محمد، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: یوسف مرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.